رویش روان شناسی، سال۱۳، شماره۱۰، شماره پیاپی ۱۰۳، دی ۱۴۰۳
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),13(10), 2025

اثربخشی مهارت آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک بر حل‌مساله اجتماعی و نگرش به بزهکاری نوجوانان بزهکار

The Effectiveness of Skills Training Based on Dialectical Behavior Therapy on Social Problem Solving and Attitude towards Delinquency of Delinquent Teenagers

دکتر سیده علیا عمادیان (نویسنده مسئول)
استادیار، گروه روانشناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
فاطمه اجارستاقی
کارشناس ارشد، گروه روانشناسی بالینی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
دکتر بهرام میرزاییان
استادیار، گروه روانشناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

Dr. Seyedeh Olia Emadian*
Assistant Professor, Department of Psychology, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.
emadian@iausari.ac.ir
Fatemeh Ojarastaghi
Master's degree, Department of Clinical Psychology, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.
Dr. Bahram Mirzaian
Assistant Professor, Department of Psychology, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی مهارت‌آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک بر حل‌مساله اجتماعی و نگرش به بزهکاری نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت شهر ساری انجام شد. روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون_ پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل تمامی نوجوانان پسر بزهکار مقیم کانون اصلاح و تربیت شهر ساری در سال ۱۴۰۲ بودند که از بین آنها ۳۰ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و سپس به صورت تصادفی در گروه‌های ۱۵ نفره آزمایش و گواه جایگزین شدند. گروه آزمایش دوازده جلسه ۶۰ دقیقه‌ای تحت مهارت‌آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک قرار گرفتند. ابزارهای پژوهش پرسشنامه حل‌مساله اجتماعی (SPSI، دی‌زوریلا و همکاران، ۲۰۰۲) و پرسشنامه نگرش به رفتارهای بزهکارانه (ADB، فضلی، ۱۳۸۹) بود. داده‌های پژوهش با آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که با کنترل اثر پیش‌آزمون بین میانگین پس‌آزمون حل‌مساله اجتماعی و نگرش به بزهکاری در دو گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۱ وجود داشت. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که مهارت آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک یک رویکرد مناسب برای افزایش حل‌مساله اجتماعی و بهبود نگرش به بزهکاری نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت است.

واژه‌های کلیدی: *حل‌مساله اجتماعی، نگرش به بزهکاری، رفتار درمانی دیالکتیک.*

Abstract

This study aimed to determine the effectiveness of skill training based on dialectical behavior therapy on social problem solving and attitudes towards delinquency of juvenile delinquents in Sari Correctional Center. The research method was a quasi-experimental design with a pre-test-post-test design and a control group. The statistical population included all juvenile delinquent boys residing in Sari Correctional Center in 2023, from which 30 were selected by purposive sampling and then randomly assigned to experimental and control groups of 15 people. The experimental group underwent twelve 60-minute sessions of skill training based on dialectical behavior therapy. The research instruments were the Social Problem Solving Questionnaire (SPSI, D'zurilla et al., 2002) and the Attitudes Towards Delinquent Behaviors Questionnaire (ADB, Fazli, 2010). The research data were analyzed using a multivariate analysis of the covariance test. The findings showed that by controlling for the pretest effect, there was a significant difference at the 0.01 level between the mean posttest scores of social problem-solving and attitudes toward delinquency in the experimental and control groups. The results of the study indicated that skill training based on dialectical behavior therapy is an appropriate approach for increasing social problem-solving and improving attitudes toward delinquency in juvenile delinquents in correctional facilities.

Keywords: *Social Problem Solving, Attitude Towards Delinquency, Dialectical Behavior Therapy.*

نوع مقاله : کاربردی | **دریافت: آبان ۱۴۰۳** | **پذیرش: آذر ۱۴۰۳** | **ویرایش نهایی: دی ۱۴۰۳**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

مقدمه

در نوجوانی بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها همانند بزرگسالان است، اما باید متذکر شد که هنوز تصمیم نوجوانان ناپایدار است و در برخی موارد ممکن است به رفتارهای ناکارآمد و حتی خطرناک منتهی شود (جونز[1] و همکاران، ۲۰۲۲). در این دوران تغییرات در سیستم عصبی_هورمونی، زیربنای تغییرات در بهزیستی عاطفی و اجتماعی است و آسیب‌هایی نوجوانان را تهدید می‌کند که از آن جمله می‌توان به مشکلات رفتاری همچون بزهکاری اشاره کرد (مرادی کلارده و بشرپور، ۱۴۰۱). رفتار انحرافی نوجوانانی که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند، بزهکاری نامیده می‌شود و به نوجوانی که مرتکب این رفتارها شود، بزهکار می‌گویند (یو[2]، ۲۰۲۲). نوجوانان بزهکار، فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از حیث تحصیل و اشتغال از دست می‌دهند که این امر به سهم خود آثار و عواقب ناخوشایندی را برای زندگی آتی آنان به دنبال دارد (والاس[3]، ۲۰۲۳). پدیده بزهکاری نوجوانان هزینه‌های کلان و گزافی را بر جامعه تحمیل می‌کند، جامعه را از داشتن نیروی انسانی کارآمد، متخصص و متعهد محروم می‌سازد، امنیت جامعه را به مخاطره می‌اندازد و بالاخره مشروعیت نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور را زیر سؤال می‌برد (کردی‌حاجی‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۱). بنابراین، بزهکاری نوجوانان یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی است که جامعه را به‌طور جدی تهدید می‌کند. هریک از موارد مذکور انگیزه‌ای برای اهتمام به مساله گرایش نسل جوان به بزهکاری شده و ضرورت بررسی علمی آن را دوچندان ساخته است.

نوجوان بزهکار هنگامی که با موانعی بر سر راه اهدافش مواجه می‌شود، برای یافتن راه‌حل گاهی اوقات با تصمیمات و عملکرد نامناسب واکنش نشان می‌دهد (موری[4] و همکاران، ۲۰۲۱). حل مساله اجتماعی به عنوان یک بازدارنده در مقابل اثرات منفی شرایط نامطلوب زندگی، باعث افزایش عملکرد روانشناختی و سلامت می‌شود (پورقربان و همکاران، ۱۴۰۰). حل مساله اجتماعی نوعی سازه شناختی_رفتاری است که در طی آن یک فرد یا گروه تلاش می‌کنند راه‌حل موثری برای مشکلات زندگی روزمره ارائه دهند. مساله زمانی به وجود می‌آید که فرد هدف دارد اما فاقد راه و روش دسترسی به آن است (وانگ[5] و همکاران، ۲۰۲۳). یادگیری حل مساله زمینه تصحیح تعامل‌ها و روابط با همسالان را فراهم می‌آورد و عزت‌نفس آنها را افزایش می‌دهد، به طور خاص موقعیت‌های حل مساله اجتماعی معمولا مهارت‌های اجتماعی پیچیده‌ای مانند درک اجتماعی پیچیده و تصمیم‌گیری سریع و خودبه خودی و انعطاف‌پذیری استراتژیک در مبادلات اجتماعی را می‌طلبد (مرکان و یویسال[6]، ۲۰۲۳). حل مساله اجتماعی در موقعیت‌های بحرانی می‌تواند باعث بهبودی عملکرد افراد گردد، زیرا فرد قادر است ارزیابی درستی از موقعیت‌های بحرانی کند و به عنوان شاخصی از کارآمدی فردی می‌تواند نشان‌دهنده کیفیت زندگی در تعاملات بین‌فردی باشد (چنگ[7] و همکاران، ۲۰۲۰).

از آنجایی که رفتارهای بزهکاری در دوران نوجوانی احتمال رفتار مجرمانه را در بزرگسالی افزایش می‌دهد، به نظر می‌رسد که تلاش برای ایجاد بسترهایی در جهت تغییر نگرش نوجوانان و کاهش تمایل آنان نسبت به بزهکاری، تضمین‌کننده آینده سلامت یک جامعه است (لک و همکاران، ۱۳۹۸). نگرش مانند هر مفهوم دیگری دارای تعاریف متعددی است. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت، نگرش یک مفهوم چند بعدی شامل عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری است که نحوه رفتار افراد را تعیین می‌کند (سزوکو[8]، ۲۰۲۳). در ایران بزهکاری در جامعه دامن‌گیر گروه سنی نوجوانان و جوانان می‌شود. پژوهشگران معتقدند سن اوج بزهکاری، ۱۷ سالگی است (قربانی و یازرلو، ۱۴۰۰). اعمالی مثل غیبت از مدرسه، دروغگویی‌های مکرر، فرار از خانه، ولگردی، گدایی، ایجاد حریق، تخریب، رانندگی بدون گواهینامه، سرقت، حمل مواد مخدر، زیر پا گذاشتن حقوق دیگران، انحرافات جنسی و … در زمره اعمال بزهکارانه رایج در بین جوانان است (چوی[9] و همکاران، ۲۰۲۲). تحقیق درمورد پدیده بزهکاری نوجوانان برای علت‌یابی جرائم و خطاها بسیار راهگشا می‌باشد تا از این طریق بتوان کمبودها و نارسایی‌ها را دریافت و در صدد رفع این مشکلات اقدام نمود (فایضی و همکاران، ۱۴۰۰).

1 Jones
2 Yoo
3 Wallace
4 Murray
5 Wang
6 Mercan
7 Chang
8 Szoko
9 Choi

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

بزهکاران جزء افراد خاص هرجامعه قرار می‌گیرند و به دلیل داشتن شرایط خاص آن‌ها، می‌توان بزهکاران را جز افراد استثنایی جامعه تلقی کرد که نیاز به مداخلاتی دارند که بتوان به آنها کمک کرد که بتوانند در جامعه زندگی کنند (خان‌محمدی، ۱۳۹۹). ازجمله بسترهای مناسب جهت تغییر نگرش نوجوانان نسبت به بزهکاری رفتار درمانی دیالکتیک است. رفتاردرمانی دیالکتیکی به عنوان یک جهان‌بینی یا دیدگاه فلسفی متخصصان بالینی را در جهت ساختن فرضیه‌های تئوریکی متناسب با مشکلات مراجعان و درمان آنها راهنمایی می‌کند (عرب‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰). هدف رفتاردرمانی دیالکتیکی، تعادل‌آفرینی بین تغییر و پذیرش است تا مراجعان بتوانند پاسخ‌های هیجانی خود به رویدادها را تنظیم کنند (فلین[1] و همکاران، ۲۰۲۱). در این روش بر مهارت آموزی شامل آموزش مهارت‌های اثربخش بین‌فردی، ذهن‌آگاهی، تنظیم هیجانی، افزایش تحمل ناکامی، پذیرش و اعتباربخشی هیجان‌ها تأکید شده است (کیم و یو[2]، ۲۰۱۷). رفتاردرمانی دیالکتیک مجموعه‌ای از فنون برای ایجاد تغییرات در چگونگی تفکر و رفتار فرد، کاهش تفکرات منفی، تغییر نحوه زندگی و همچنین دستیابی به ثبات رفتاری و هیجانی است (کوهن[3] و همکاران، ۲۰۲۱). در راستای اهداف پژوهش، مطالعات نشان‌دهنده اثربخشی رفتار درمانی دیالکتیک بر ضرب و جرح و حل مساله (عزیزی و همکاران، ۱۴۰۲؛ غفاری چراتی و همکاران، ۱۴۰۱؛ حاجی علی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ فیلیپس، ۲۰۲۱؛ میشاییل و همکاران، ۲۰۲۰)، کاهش رفتارهای پرخطر (عدلیه و همکاران، ۱۳۹۷)، پرخاشگری (صمدی و همکاران، ۱۴۰۲)، بزهکاری (دماوندیان و همکاران، ۱۴۰۱؛ فلیس‌چاکر و همکاران، ۲۰۲۱؛ دالنیک و همکاران، ۲۰۲۱) بود.

نوجوانان بزهکار در مرحله‌ای از رشد هستند که هنوز امکان تغییر و اصلاح وجود دارد. هدف درمان و اصلاح به جای تمرکز صرف بر تنبیه، رسیدگی به علل زمینه‌ای بزهکاری، ارائه مداخلات و توسعه تغییرات مثبت رفتاری است. با رسیدگی به علل اصلی بزهکاری و ارائه درمان موثر، احتمال ارتکاب مجدد جرم را کاهش می‌یابد. سرمایه‌گذاری در بازپروری نوجوانان بزهکار می‌تواند با کمک به افراد برای ادغام مجدد موفقیت‌آمیز در جامعه، کاهش مشارکت آنها در فعالیت‌های مجرمانه و شکستن چرخه بزهکاری، منجر به ایجاد جوامع ایمن‌تر شود؛ بر این اساس اجرای این برنامه‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. با توجه به میزان شیوع بالای بزهکاری در نوجوانان و پیامدهای مخرب آن در سلامت فردی و اجتماعی، و نیز خلاءهای پژوهشی موجود، این مطالعه با هدف بررسی اثربخشی مهارت آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک بر حل‌مساله اجتماعی و نگرش به بزهکاری نوجوانان بزهکار انجام شد.

روش

روش این پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون_ پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش تمامی نوجوانان پسر بزهکار مقیم کانون اصلاح و تربیت شهر ساری در سال ۱۴۰۲ بودند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت هدفمند بود. از بین نوجوانان مقیم در کانون اصلاح و تربیت شهر ساری، ۳۰ نفر که با ملاک‌های ورودی پژوهش همخوانی و تمایل به همکاری داشتند، انتخاب و سپس به صورت تصادفی در گروه‌های ۱۵ نفره آزمایش و گواه جایگزین شدند. ملاک انتخاب تعداد افراد نمونه با استفاده از نرم‌افزار جی‌پاور، بر اساس اندازه اثر ۰/۲۵، آلفای ۰/۰۵ و توان ۰/۸۰ در دو گروه، حداقل تعداد نمونه برای دست‌یابی به توان مورد نظر، ۱۵ نفر در هر گروه جمعا ۳۰ نفر به دست آمد. ملاک‌های ورود به پژوهش رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، سنین ۱۵ تا ۱۷ سال، حداقل تحصیلات سیکل، عدم مصرف داروهای روانپزشکی، عدم قرار داشتن تحت درمان‌های روانشناختی و گذشت حداقل ۱ سال از اقامت در کانون اصلاح و تربیت بود و ملاک‌های خروج نیز شامل نداشتن اشتیاق به ادامه جلسات، اتمام دوره محکومیت و غیبت بیش از دو جلسه بود. مهارت‌آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک در ۱۲ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای، هر هفته دو جلسه توسط پژوهشگر بر گروه آزمایش اجرا شد و گروه گواه تا پایان پژوهش، هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. پس از پایان مداخله، پرسشنامه‌های پژوهش به عنوان پس‌آزمون مجددا اجرا گردید. این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم، در رشته روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری با کد اخلاق (IR.IAU.SARI.REC.1402.298) است. ملاحظات اخلاقی پژوهش شامل جلب رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان، حفظ اطلاعات افراد به صورت محرمانه، رعایت رازداری و بیان اهداف پژوهشی برای شرکت‌کنندگان بود. همچنین به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که این آزمون‌ها و نتایج به دست آمده از آنها صرفا جنبه پژوهشی دارد و مربوط به سازمان خاصی نیست. برای اطمینان‌بخشی بیشتر و

1 Flynn
2 Kim & Yu
3 Cohen

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

جلب همکاری شرکت‌کنندگان در پاسخگویی صحیح و دقیق به آنها تذکر داده شد که ضرورتی برای نوشتن مشخصاتی مانند نام و نام‌خانوادگی وجود ندارد و بهترین پاسخ، پاسخی است که گویای وضعیت واقعی آنها باشد. در نهایت، داده‌های پژوهش با تحلیل کوواریانس چندمتغیره و استفاده از نسخه ۲۴ نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

پرسشنامه حل‌مساله اجتماعی (SPSI)[1]: این پرسشنامه توسط دی‌زوریلا[2] و همکاران (۲۰۰۲) در ۲۵ سؤال و مولفه‌های جهت‌گیری مثبت، حل منطقی مساله، جهت‌گیری منفی، سبک برانگیختگی، و سبک اجتنابی در طیف لیکرت پنج درجه‌ای از صفر تا چهار طراحی شده است. روایی ملاکی این پرسشنامه با پرسشنامه راهبردهای حل مساله کسیدی و لانگ[3] ۰/۵۳ به دست آمده و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ گزارش گردیده است (دی‌زوریلا و همکاران، ۲۰۰۲). همچنین در پژوهش محمدزاده و همکاران (۱۳۹۹) روایی به روش تحلیل عاملی تاییدی و همسانی درونی به شیوه آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۸ محاسبه شد و ضریب آلفای کرونباخ برای پنج خرده مقیاس جهت‌گیری مثبت، حل منطقی مساله، جهت‌گیری منفی، سبک برانگیختگی، و سبک اجتنابی به ترتیب ۰/۶۱، ۰/۶۸، ۰/۷۱، ۰/۷۴ و ۰/۶۷ به دست آمد. در پژوهش حاضر روایی پرسشنامه به روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به دست آمد.

پرسشنامه نگرش به رفتارهای بزهکارانه (ADB)[4]: این پرسشنامه ۲۸ ماده‌ای با هدف سنجش نگرش به رفتارهای بزهکارانه توسط وحید فضلی در سال ۱۳۸۹ برای نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال تهیه شده است و براساس لیکرت ۴ عامل (۱ تا ۴) نمره‌گذاری می‌شود. جهت حصول اطمینان از پایایی و روایی پرسشنامه، عبارات و طیف مورد استفاده برای پاسخ به افراد صاحب‌نظر در رابطه با موضوع مورد مطالعه ارائه گردید و بر روایی آن صحه گذاشته شد. پرسشنامه در پژوهش حسینی دولت آبادی و همکاران (۱۳۹۲) به روش آلفای کرونباخ برای رفتارهای بزهکارانه ۰/۷۷، نگرش منفی به بزهکاری ۰/۸۳ و نگرش مثبت به بزهکاری ۰/۸۶ به دست آمد. در پژوهش خان‌محمدی (۱۳۹۹) نتایج بررسی همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ بر روی ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان ۰/۷۳ محاسبه شده است. در پژوهش حاضر روایی پرسشنامه به روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد.

پروتکل مهارت آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک: ساختار جلسات بر اساس پروتکل لینهان[5] (۲۰۱۴) است که توسط آستانه و همکاران (۱۳۹۹) تحت عنوان مهارت آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک استفاده شده است؛ این جلسات به صورت گروهی در ۱۲ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای، هر هفته دو جلسه برگزار گردید که شرح جلسات در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. خلاصه جلسات مهارت‌آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک لینهان (۲۰۱۴)

جلسات	رئوس محتوای جلسات
اول	خلاصه‌ای از علل برگزاری جلسات و هدف‌گذاری، شناخت بزهکاری، بررسی علل بزهکاری
دوم	مروری بر رفتاردرمانی دیالکتیکی، تاریخچـۀ آن و علت تاثیرگـذاری آن بر حل مساله اجتماعی، نحوۀ پذیرش و تغییر مشکلات، دریافت بازخورد و ارائه تکالیف
سوم	مرور جلسات قبل و بررسی انجام تکلیف؛ آموزش اصول کلی مهارت‌های تحمل فشار روانی در رویکرد رفتاردرمانی دیالکتیکی و مهارت‌های پذیرش واقع‌گرایانه، دریافت بازخورد و ارائه تکالیف
چهارم	مرور جلسات قبل و بررسی انجام تکلیف؛ بررسی زنجیره فکرها، احساس‌ها و رفتارها در موقعیت‌های چالش‌برانگیز، واقعیت آزمایی و عیارسنجی ارزش‌ها، دریافت بازخورد و ارائه تکالیف
پنجم	مرور جلسات قبل و بررسی انجام تکلیف؛ راهبردهای آرام‌سازی یا خود آرامشبخشـی، بررسی فعالیت های مربوط به بارش فکری در مهارت حل مساله، دریافت بازخورد و ارائه تکالیف
ششم	مرور مباحث جلسه قبل و بررسی انجام تکلیف؛ آموزش اصول مهارت‌های تنظیم هیجان در رویکرد رفتاردرمانی دیالکتیکی، دریافت بازخورد و ارائه تکالیف

1 Social Problem Solving Questionnaire
2 D'zurilla
3 Cassidy & Lang
4 Attitude towards delinquent behaviors questionnaire
5 Linehan

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

هفتم	مرور مباحث جلسه قبل و بررسی انجام تکلیف؛ بررسی افکار و هیجانات، و مرتبط ساختن اعمال با هیجانات، دریافت بازخورد و ارائه تکالیف
هشتم	مرور مباحث جلسه قبل و بررسی انجام تکلیف؛ آموزش اصول مهارت‌های میان فردی در رفتاردرمانی دیالکتیکی، تمرین خودسنجی (مشکل در نه گفتن و...) ، دریافت بازخورد و ارائه تکالیف
نهم	مرور مباحث جلسه قبل و بررسی انجام تکلیف؛ بررسی شناسایی نیازها و اهداف خود، تمرین مربوط به مراحل برآوردن نیازهای خود در تعاملات بین‌فردی، دریافت بازخورد و ارائه تکالیف
دهم	مرور مباحث جلسه قبل و بررسی انجام تکلیف؛ کنترل استرس با استفاده از مهارت‌های رفتاردرمانی دیالکتیکی، مهارت خودمراقبتی برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر استرس، دریافت بازخورد و ارائه تکالیف
یازدهم	مرور مباحث جلسه قبل و بررسی انجام تکلیف؛ به کار بردن مجموعه مهارت‌های رفتاردرمانی دیالکتیکی برای حل‌مساله اجتماعی، دریافت بازخورد و ارائه تکالیف
دوازدهم	مرور مباحث جلسه قبل و بررسی انجام تکلیف؛ به کار بردن مجموعه مهارت‌های رفتاردرمانی دیالکتیکی برای حل‌مساله اجتماعی، چگونگی تعمیم مهارت‌ها به خارج از جلسه درمان، جمع‌بندی و مرور جلسات؛ اجرای پس‌آزمون

یافته ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نشان داد که در این مطالعه ۳۰ نوجوان پسر در دو گروه آزمایش و گواه مورد مطالعه قرار گرفتند. بر اساس یافته‌ها میانگین و انحراف معیار سن گروه آزمایش و گواه به ترتیب ۱۶/۳±۲/۴ و ۱۶/۴±۱/۴ بود. همچنین میانگین مدت زمان اقامت در کانون اصلاح و تربیت برای گروه‌های آزمایش و گواه به ترتیب ۲/۸±۱/۷ و ۲/۶±۱/۹ بود. میانگین و انحراف معیار متغیرها و نتایج آزمون شاپیرو-ویلک در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول۲. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در گروه‌های مورد مطالعه و نتایج آزمون شاپیرو-ویلک

متغیر	گروه	مرحله	میانگین	انحراف معیار	آماره Z	معنی‌داری
حل‌مساله اجتماعی	آزمایش	پیش‌آزمون	۷۳/۴	۱۹/۲۸	۰/۹۵۸	۰/۲۷۷
		پس‌آزمون	۷۵/۵۱	۲۲/۹۳	۰/۹۶۹	۰/۵۱۱
	گواه	پیش‌آزمون	۷۳/۷۳	۱۹/۳۳	۰/۹۵۳	۰/۲۰۳
		پس‌آزمون	۷۲/۷	۱۹/۵۲	۰/۹۳۲	۰/۰۵۶
نگرش به بزهکاری	آزمایش	پیش‌آزمون	۷۲/۴۹	۱۰/۸۹	۰/۹۴۴	۰/۱۱۶
		پس‌آزمون	۷۳/۷۳	۱۰/۴۵	۰/۹۵۶	۰/۲۴۷
	گواه	پیش‌آزمون	۷۳/۳۴	۹/۹۸	۰/۹۵۱	۰/۲۱۳
		پس‌آزمون	۷۱/۶۱	۹/۸۴	۰/۹۸۳	۰/۸۲۰

در جدول ۲ میانگین متغیرهای پژوهش در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون برای گروه آزمایش و گواه گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه آزمایش تفاوت دیده می‌شود که در ادامه به منظور بررسی معناداری این تفاوت‌ها از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره استفاده می‌شود. برای بررسی فرض نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون شاپیرو-ویلک استفاده شد و نتایج حاکی از نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش در پیش‌آزمون و پس‌آزمون بود. بنابراین فرض نرمال بودن توزیع متغیرها برقرار است. نتایج بررسی مفروضه همگنی شیب رگرسیون برای متغیرهای پژوهش در گروه آزمایش و گواه نشان داد که آماره F معنادار نیست (P>۰/۰۵). همچنین برای بررسی همگنی واریانس‌های گروه‌های آزمایش و گواه در پس‌آزمون متغیرهای پژوهش از آزمون لوین استفاده شد و نتایج نشان داد که واریانس‌های متغیر وابسته در گروه‌های آزمایش و گواه برابر بود (حل‌مساله اجتماعی، F=۰/۵۴۹، P=۴۶۵، نگرش به بزهکاری، F=۰/۲۲۳، P=۰/۶۴۱). نتایج مفروضه همگنی ماتریس‌های واریانس_کوواریانس (آزمون M-Box) حاکی از عدم تفاوت بین واریانس متغیرها است (M-Box۹/۴۲۸، F=۲/۷۲۶، P=۰/۲۱۲). بنابراین انجام تحلیل کوواریانس چندمتغیره مانعی ندارد.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

جدول ۳. نتایج مربوط به شاخص‌های اعتباری تحلیل کوواریانس چندمتغیری متغیرهای پژوهش

اثر	شاخص‌های اعتباری	ارزش	مقدار F	df فرضیه	df خطا	معناداری	ضریب اتا	توان آماری
گروه	اثر پیلایی	۰/۷۱۱	۱۲/۹۲۰	۲	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۷۱۱	۱
	لامبدایی ویلکز	۰/۲۸۹	۱۲/۹۲۰	۲	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۷۱۱	۱
	اثر هتلینگ	۲/۴۶۱	۱۲/۹۲۰	۲	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۷۱۱	۱
	بزرگترین ریشه خطا	۲/۴۶۱	۱۲/۹۲۰	۲	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۷۱۱	۱

نتایج شاخص‌های اعتباری تحلیل کوواریانس چندمتغیری، نشان داد که اثر گروه بر ترکیب متغیرها (P<۰/۰۱، F=۱۲/۹۲۰، ۰/۷۱۱= لامبدای ویلکز) معنی‌دار بود. مجذور اتا نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه با توجه به متغیرهای وابسته معنی‌دار بود. در ادامه نتایج آزمون تحلیل کووا یانس چندمتغیری برای متغیرهای پژوهش ارائه شد است.

جدول۴. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری برای متغیرهای پژوهش

منبع	متغیر	مجموع مجذورات	درجه‌آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری	ضریب اتا	توان‌آماری
پیش‌آزمون	حل‌مساله اجتماعی	۲۹۱۴/۹۸	۱	۲۹۱۴/۹۸	۳۸/۵۹	۰/۰۰۱	۰/۵۱	۱
	نگرش به بزهکاری	۲۴۵۶/۶۷	۱	۲۴۵۶/۶۷	۴۹/۲۸	۰/۰۰۱	۰/۴۴	۱
گروه	حل‌مساله اجتماعی	۹۴/۱۱	۲	۴۷/۰۵	۲۸/۶۰	۰/۰۰۱	۰/۴۰	۱
	نگرش به بزهکاری	۴۹/۴۳	۲	۲۴/۷۱	۱۴/۵۱	۰/۰۰۱	۰/۳۲	۱
خطا	حل‌مساله اجتماعی	۱۴۸۶/۳۳	۲۴	۶۱/۹۳				
	نگرش به بزهکاری	۳۵۹۹/۸۴	۲۴	۱۴۹/۹۹				

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که بین دو گروه آزمایش و گواه در متغیرهای حل‌مساله اجتماعی و نگرش به بزهکاری تفاوت معنی‌داری وجود دارد. مجذور اتا بیانگر این است که تفاوت بین دو گروه به ترتیب برای متغیر حل‌مساله اجتماعی (F=۲۸/۶۰، P=۰/۰۰۱) و نگرش به بزهکاری (F=۱۴/۵۱، P=۰/۰۰۱) است. بدین معنا که مهارت آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک بر افزایش حل‌مساله اجتماعی و بهبود نگرش به بزهکاری نوجوانان بزهکار تاثیر گذار است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی مهارت‌آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک بر حل‌مساله اجتماعی و نگرش به بزهکاری نوجوانان بزهکار انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مهارت آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک منجر به بهبود حل‌مساله اجتماعی نوجوانان بزهکار می‌شود. این یافته با نتایج مطالعات عزیزی و همکاران (۱۴۰۲)، غفاری چراتی و همکاران (۱۴۰۱)، حاجی علی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)، فیلیپس (۲۰۲۱) و میشاییل و همکاران (۲۰۲۰) همسو بود. این یافته اینگونه تبیین می شود که مهارت‌آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک به گونه‌ای طراحی شده است که می‌تواند با آموزش چهار دسته مهارت (تحمل آشفتگی، توجه‌آگاهی، نظم‌بخشی هیجانی و ارتباط مؤثر)، شدت هیجان‌ها را کاهش دهد و در مواقع بحرانی، تعادل هیجانی را حفظ کند (فیلیپس، ۲۰۲۱)، همچنین این رویکرد درمانی توانایی حل مساله اجتماعی را افزایش می‌دهد و اعتماد به نفس را نیز بهبود می‌بخشد که همه این موارد می‌تواند موجب گردد کیفیت روابط اجتماعی نوجوانان بزهکار ارتقاء یابد و در نتیجه نوجوانان در روابط خود با اطرافیان حمایت اجتماعی بیشتری را دریافت نمایند. همچنین به نظر می‌رسد که مهارت‌های تنظیم هیجانی، با تنظیم حالت هیجانی آشفته‌ساز، باعث شده تا افراد در تعارض‌های بین‌فردیشان، احساس‌های خود را بدون این که واکنش منفی و مخربی از خود نشان دهند، ابراز کنند (میاشییل و همکاران،

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

۲۰۲۰). از طرفی مهارت‌آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک، با افزایش توانمندی‌های نوجوانان از طریق افزایش انگیزش، اطمینان از تعمیم درمان به محیط‌های واقعی و کمک به کاربرد این مهارت‌ها در محیط‌های گوناگون، گسترش شبکه‌های حرفه‌ای و اجتماعی و همچنین افزایش توانمندی‌ها مسیر جدیدی را در مهارت حل مساله اجتماعی فراهم نموده است (غفاری چراتی و همکاران، ۱۴۰۱). آموزش چگونه اندیشیدن و نه به چه اندیشیدن در مهارت آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک به نوجوانان کمک می‌کند تا بتوانند در مواجهه با مسائل درون‌فردی و میان‌فردی به راه‌حل‌های مختلف بیندیشند و بهترین راه‌حل را اتخاذ نمایند تا توانایی فکر کردن و کنترل هیجانی برایشان میسر شود، باعث افزایش توان و بهبود در جهت‌گیری مثبت و سبک حل مسئله منطقی و باعث کاهش کاربست جهت‌گیری منفی، سبک‌های حل مسئله، اجتنابی و تکانشی شده است و در نهایت از بدکارکردی روانی و اجتماعی پیشگیری نموده تا نوجوانان در جهت کاهش جهت‌گیری منفی، رفتارهای مشکل‌ساز هیجانی و اجتنابی بین‌فردی عمل نمایند (عزیزی و همکاران، ۱۴۰۲).

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد مهارت آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک منجر به بهبود نگرش به بزهکاری نوجوانان بزهکار می‌شود. این یافته با نتایج مطالعات صمدی و همکاران (۱۴۰۲)، دماوندیان و همکاران (۱۴۰۱)، عدلیه و همکاران (۱۳۹۷)، فلیس‌چاکر و همکاران (۲۰۲۱) و دالنیک و همکاران (۲۰۲۱) همسو بود. این یافته اینگونه تبیین می‌شود که مهارت آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک می‌تواند در کاهش نگرش مثبت و افزایش نگرش منفی فرد نسبت به بزهکاری در سنین بالاتر مؤثرتر باشد و به گونه درست، برخورد با مشکلات به نحو سازنده به صورت مستقیم نگاه و جهان‌بینی فرد را نسبت به محیط پیرامون خود دچار تغییر می‌کند، یادگیری نحوه درست حل مشکلات نه تنها نگرش فرد را نسبت محیط خود مثبت خواهد کرد بلکه نگرش او نسبت به افراد پیرامون خود و نگرش او نسبت به خودش را نیـز مثبت می‌کند (دماوندیان و همکاران، ۱۴۰۱). رفتار درمانی دیالکتیکی و مهارت‌هایی که در طول این برنامه به شرکت‌کنندگان آموزش داده می‌شود (به ویژه مهارت‌های تنظیم هیجانی و ذهن‌آگاهی)، قادر است کارکردهای درون‌فردی (تقویت منفی خودکار و تقویت مثبت خودکار) و بین‌فردی (تقویت منفی اجتماعی و تقویت مثبت اجتماعی) رفتارهای بزهکارانه را در نوجوانان بزهکار کاهش دهد و منجر شود نوجوانان به جای درگیر شدن در مشکلات و تکرار راهکارهای ناسازگار، به دنبال راه‌حل‌های مفید و اثرگذارتر باشند و درصدد افزایش قابلیت‌های خود برای کنترل مناسب تنش‌ها و انتخاب راهکارهای مناسب برای حل مشکلاتشان برآیند و سازگارتر شوند (فلیس‌چاکر و همکاران، ۲۰۲۱).

در مجموع و به طور کلی یافته‌های پژوهش نشان داد که مهارت آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک بر تقویت حل‌مساله اجتماعی و بهبود نگرش به بزهکاری نوجوانان بزهکار موثر می‌باشد. لذا این درمان با آموزش این مهارت‌ها می‌تواند ضمن حمایت از روابط میان نوجوانان با یکدیگر، به آنها کمک می‌کند که به صورت محترمانه ای روابط را در طول زمان ادامه دهند و در جهت بهبود اصلاح رفتارهای خود اقدام کنند که مجموعه این عوامل باعث اثربخشی این درمان می‌گردد.

پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی بود، از جمله می‌توان به روش نمونه‌گیری هدفمند و حجم پایین نمونه اشاره کرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش قدرت تعمیم‌پذیری در پژوهش‌های آتی از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی و حجم نمونه بالاتر استفاده شود. به دلیل محدودیت زمانی، پیگیری نتایج مقدور نبود و مشخص نیست تأثیرات مهارت‌آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک در بلندمدت چگونه است. پیشنهاد می‌شود از اجرای دوره پیگیری برای دستیابی به اندازه اثر واقعی برنامه استفاده شود. به دلیل مختصر و کوتاه مدت بودن مهارت‌آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیک و همچنین تأثیرگذاری بالای این رویکرد، به مربیان پرورشی و افرادی که در زمینهٔ تربیتی با نوجوانان بزهکار فعالیت دارند، پیشنهاد می‌شود برای کمک به رشد مناسب نوجوانان بزهکار از نتایج این پژوهش استفاده کنند.

منابع

آستانه، ر.، میرزائیان، ب. و حسن زاده، ر. (۱۳۹۹). اثربخشی مهارت آموزی مبتنی بر رفتار درمانی دیالکتیکی بر ترس از ارزیابی منفی و مهارت های ارتباطی نوجوانان مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی. *مجله سلامت اجتماعی*، ۸(۳)، ۳۷۰-۳۵۹. https://doi.org/10.22037/ch.v8i3.31227

پورقربان گورابی، ف.، باباخانی، ن. و لطفی کاشانی، ف. (۱۴۰۰). تاثیر آموزش مهارت حل مسئله اجتماعی بر عملکرد تحصیلی و مشکلات عاطفی رفتاری درونی سازی شده و برونی سازی شده دانش‌آموزان ابتدایی. *فصلنامه روان شناسی تربیتی*، ۱۷(۵۹)، ۲۵۱-۲۱۳. https://doi.org/10.22054/jep.2021.57638.3231

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

حسینی دولت‌آبادی، ف.، سعادت، س. و قاسمی جوبنه، ر. (۱۳۹۲). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، خود کارآمدی و نگرش به بزهکاری در دانش‌آموزان دبیرستانی. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۴(۲)، ۸۸-۶۷. https://jol.guilan.ac.ir/article_634.html

حاجی‌علیزاده، ک. و نوری زاده، ب. (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی رفتار درمانی دیالکتیک بر کاهش اضطراب و بهبود عملکرد اجتماعی بیماران مبتلا به دیابت. *مجله دیابت و متابولیسم ایران*، ۱۷(۳)، ۱۳۸-۱۳۰. URL: http://ijdld.tums.ac.ir/article-1-5599-fa.html

خان محمدی مجندهی، ر. (۱۳۹۹). رابطه انسجام خانواده و توانایی حل مسئله با نگرش به رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان دختر. *رویش روان شناسی*، ۹(۱)، ۸۱-۸۸. URL: http://frooyesh.ir/article-۱-۱۷۰۰-fa.html

دماوندیان، ا.، گلشنی، ف.، صفاری نیا، م. و باغداساریانس، آ. (۱۴۰۱). بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر شفقت بر پرخاشگری، رفتارهای خودآسیب‌رسان و خودتنظیمی هیجانی نوجوانان بزهکار. *مجله علوم روانشناختی*، ۲۱(۱۱۲)، ۸۱۸-۷۹۷. http://psychologicalscience.ir/article-1-1474-fa.html

صمدی، ف.، بحرینیان، ع.، رازجویان، ک. و شهابی زاده، ف. (۱۴۰۲). اثربخشی رفتار درمانی دیالکتیکی بر پرخاشگری، خودانتقادی و رفتارهای خودآسیب رسان نوجوانان ۱۲- ۱۸ سال مبتلا به اختلال دوقطبی. *رویش روان شناسی*، ۱۲(۳)، ۶۶-۵۵. URL: http://frooyesh.ir/article-1-4633-fa.html

عرب‌زاده، ا.، نعمتی، م.، ترکمان‌منش، ا. و فرامرزی، ف. (۱۴۰۰). اثربخشی رفتاردرمانی دیالکتیکی بر افزایش شفقت خود و بهزیستی ذهنی و کاهش فشارخون افراد وابسته به مواد. *فصلنامه علمی اعتیادپژوهی*، ۱۵(۶۲)، ۲۸۸-۲۶۱. URL: http://etiadpajohi.ir/article-1-2578-fa.html

عزیزی، م. و زارعی، ا. (۱۴۰۲). اثربخشی رفتاردرمانی دیالکتیکی بر ضرب و جرح خویشتن و تحمل پریشانی در نوجوانان با سابقه رفتارهای خودآسیب رسان. *دست‌آوردهای روان‌شناختی*، ۳۰(۱)، ۱۶۲-۱۴۵. doi: 10.22055/psy.2022.38177.2726

عدلیه، ر.، رفیعی، م. و شناور، آ. (۱۳۹۷). اثربخشی رفتاردرمانی دیالکتیکی بر کاهش رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان دوره متوسطه اول شهر شیراز. *فصلنامه پیام فرهیختگان*، ۳(۱۲)، ۷۶-۶۳. https://www.hfj.ir/

غفاری‌چراتی، م.، محمدی‌پور، م. و عزیزی، ع. (۱۴۰۱). اثربخشی رفتاردرمانی دیالکتیک بر دشواری تنظیم هیجانی و پرخاشگری نوجوانان دختردارای علایم افسردگی. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۶(۴)، ۴۰۲-۳۹۲. https://sid.ir/paper/1117066/fa

فایضی، ن.، نجفی، ح.، کرمدوست، آ.، حبیبی، ی. و محمدی، ع. (۱۴۰۰). پیش‌بینی نگرش مثبت به بزهکاری بر اساس خود دلسوزی، هوش معنوی و خود آگاهی شناختی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه. *روان شناسی مدرسه و آموزشگاه*، ۱۰(۲)، ۱۱۸-۱۰۳. doi: 10.22098/jsp.2021.1250

فضلی، و. (۱۳۸۹). بررسی رابطه شیوه های تربیتی والدین و نگرش به رفتارهای بزهکارانه در بین نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال شهر تهران. *فصلنامه علمی ترویجی پیشگیری از جرم*، ۱۴(۵)، ۱۱۲-۷۹. https://www.noormags.ir/

قربانی، ع. و یازرلو، س. (۱۴۰۰). مدل یابی معادلات ساختاری سبک‌های هویت‌یابی و خودکارآمدی با نگرش به بزهکاری در دانش‌آموزان. *جامعه شناسی آموزش و پرورش*، ۷(۱)، ۱۴-۱. https://doi.org/10.22034/ijes.2021.244678

کردی حاجی، آ.، حاجی تبار فیروزجائی، ح. و کلانتری، ک. (۱۴۰۱). عوامل خطرآفرین و پیشگیری‌کننده از بزهکاری کودکان و نوجوانان از دیدگاه قضات، مددکاران اجتماعی و مدیران مدارس. *رفاه اجتماعی*، ۲۲ (۸۴)، ۲۶۵-۲۲۹. URL: http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3742-fa.html

لینهان، م. (۲۰۱۴). *کتاب راهنمای مهارت آموزی رفتاردرمانی دیالکتیکی*. ترجمه خدیجه علوی، انتشارات ارجمند.

مخبری، ع.، درتاج، ف. و دره کردی، ع. (۱۳۹۰). بررسی شاخص‌های روان‌سنجی و هنجاریابی پرسشنامه توانایی حل مسأله اجتماعی. *فصلنامه اندازه گیری تربیتی*، ۱(۴)، ۲۱-۱. https://jem.atu.ac.ir/article_2665.html

محمدزاده، ع.، رضایی، ا. و رستمی، ل. (۱۳۹۹). رابطه صفات پارانوئید و اسکیزوتایپی با اضطراب اجتماعی و حل مسأله اجتماعی در بین دانشجویان. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۹(۹۲)، ۹۹۰-۹۸۱. URL: http://psychologicalscience.ir/article-1-424-fa.html

مرادی کلارده، پ. و بشرپور، س. (۱۴۰۱). پیش بینی کنترل خشم و نگرش مثبت به بزهکاری با توجه به مولفه‌های الگوی ترکیبی سرشت‌های عاطفی-هیجانی در دانش آموزان دوره دوم متوسطه. *دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی*، ۲۳(۴)، ۹۵-۸۴. JSRP.2020.1898455.2423/۱۰/۳۰۴۸۶

Chang, E. C., Tian, W., Jiang, X., Yi, S., Liub, J., Bai, Y., Liu, C., Luo, X., Wang, W., Chang, O. D., Li, M., & Hirsch, J. K. (2020). Loneliness, social problem solving, and negative affective symptoms: Negative problem orientation as a key mechanism. *Personality and Individual Differences*, 167(1), 10-17. https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110235

Choi, J., Yun, I., & Lee, J. (2022). Television watching as a routine activity: New evidence involving the relationship between television watching and delinquency. *Children and Youth Services Review*, 142(11), 106-115. DOI: 10.1016/j.childyouth.2022.106650

Cohen, J., Norona, J., Yadavia, J., & Borsari, B. (2021). Affirmative dialectical behavior therapy skills training with sexual minority veterans. *Cognitive and Behavioral Practice*, 28(1), 77 -91. https://doi.org/10.1016/j.cbpra.2020.05.008

D'zurilla, T. J., Chang, E. C., & Sanna, L. J. (2002). Self-esteem and social problem solving as predictors of aggression in college students. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 22(4), 424-440. DOI: 10.1521/jscp.22.4.424.22897

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

Dallnic, A., Smith, S., Brank, E., & Penfield, R. (2021). Classroombased Cognitive-behavioral Intervention to Prevent Aggression: Efficiency and Social Validity. *Journal of School Psychology*, 44(1), 123-139. DOI: 10.1016/j.jsp.2006.01.005

Flynn, D., Kells, M., & Joyce, M. (2021). Dialectical behaviour therapy: Implementation of an evidence - based intervention for borderline personality disorder in public health systems. *Current Opinion in Psychology*, 37(1), 152-157. DOI: 10.1016/j.copsyc.2021.01.002

Fleischhaker, C., Bohme, R., Sixt, B., Bruck, C., Schneider, C., & Schulz, E. (2021). Dialectical Behavioral Therapy for adolescents (DBT-A): a clinical Trial for Patients with suicidal and self-injurious Behavior and Borderline Symptoms with a one-year Follow-up. *Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health*, 5(1), 175-188. DOI: 10.1186/1753-2000-5-3

Jones, M., Shurtliff, T., & Gerlinger, J. (2022). Racial differences in the effects of early adverse childhood experiences on adolescent delinquency: The role of middle childhood mechanisms. *Journal of Criminal Justice*, 82(11), 197-120. https://doi.org/10.1016/j.jcrimjus.2022.101977

Kim, H. E., & Yeo, J. H. (2017). Impact of sexual attitude and marital intimacy on sexual satisfaction in pregnant couples: An application of the actor -partner interdependence model. *Korean Journal of Women Health Nursing*, 23(3), 18-29.DOI: 10.1002/psp.579

Murray, A., Mirman, J., Carter, L., & Eisner, M. (2021). Individual and developmental differences in delinquency: Can they be explained by adolescent risk-taking models. *Developmental Review*, 62(10), 98-115. doi: 10.1007/s10964-021-01433-z

Mercan, N., & Uysal, B. (2023). The relationship of social media addiction with interpersonal problem-solving and personality traits in university students. *Archives of Psychiatric Nursing*, 43(4), 50-56. DOI: 10.1016/j.apnu.2022.12.025

Mitchell, R., Roberts, R., Bartsch, D. & Sullivan, T. (2020). Changes in mindfulness facets in a dialectical behavior therapy skills training group program for borderline personality disorder. *Journal of Clinical Psychology*, 75(6), 958-969. DOI: 10.1002/jclp.22744

Phillips, J. (2021). *Relentless innovation: what works, what doesn't--and what that means for your business*. New York, NY: McGraw-Hill.

Szoko, N. (2023). Adult Perceptions of Youths' Attitudes Toward Violence and Peer Delinquency and Youth-Reported Violence Experiences. *Journal of Adolescent Health*, 72(3), 107-118. DOI: 10.1177/08862605211035882

Wallace, L. (2023). Parenting practices and adolescent delinquency: COVID-19 impact in the United States. *Children and Youth Services Review*, 149(6), 679-686. DOI: 10.1016/j.childyouth.2022.106791

Wang, C., Keilp, J., Galfalvy, H., Bridge, J., Sheftall, A., & Szanto, K. (2023). Entrapment and social problem-solving in suicidal behavior across the adult lifespan. *Journal of Affective Disorders*, 329(15), 176-183. DOI: 10.1016/j.jad.2023.02.099

Yoo, J. (2022). What shapes cyber delinquency in adolescents. A holistic and comparative analysis of cyber and traditional offline delinquencies. *Children and Youth Services Review*, 136(5), 644-656. https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2022.106445

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]